

متن نامه‌ای که به رهبری نرسید

۱۸ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۰۱

حذف حزب جمهوری اسلامی از جریانات انتخابات ریاست جمهوری که با مقدمات حساب شده‌ای پیش آمد، مخالفان را جری و امیدوار کرد و تلاش‌ها را مضاعف کردند.

آیت‌الله بهشتی و دوستان نزدیکش اندیشه‌ها و راه و روش بنی صدر را نمی‌پسندیدند، اما به واسطه انتخاب مردم، همکاری با او را قبول کردند؛ به همین خاطر بود که با انجام کارهایی از جمله سپردن ریاست شورای انقلاب و جانشینی فرماندهی کل قوا به او، تلاش داشتند که اختلافات و مشکلات هر چه سریع‌تر حل شود، اما او حاضر به همراهی نبود.

نصایح حضرت امام(ره) و برگزاری چندین جلسه گفت‌وگو هم راه به جایی نبرد. در این روزها، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و دکتر باهنر به شدت نگران اوضاع آینده بودند و چون کار خاصی نمی‌توانستند بکنند، تصمیم گرفتند نامه‌ای به امام بنویسند و نظرات خودشان را برای ایشان بگویند. و این کار انجام گرفت.

متن این نامه در تاریخ بیست و هشتم بهمن ۵۸، بدین شرح نگاشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس رهبر و استاد عظیم‌الشان امام خمینی دام ظلّه چه خوب بود ضرورتی برای نوشتن این مطالب در این شرایط نبود، اما مع‌الاسف پس از بحث و بررسی، تذکر ندادن را گناه تشخیص دادیم و تذکر دادن را وظیفه و لذا برخلاف میل و احساس و به حکم عقل و مسئولیت، موارد زیر را به اختصار به نظر شریف می‌رسانیم:

۱- با تحلیل منطقی و تجربه می‌دانستیم و می‌دانیم، پذیرفتن مسئولیت‌های بزرگ (مخصوصاً اجرایی) در چنین شرایطی، خواهی نخواهی سقوط اعتبار انسان را به همراه دارد و در مقابل، انزوا گزیدن و گاهی انتقاد و اظهارنظر کردن، آسایش و اعتبار می‌آورد و انسان را خالی از هوی و دلسوز جلوه می‌دهد.

۲- به امر شما و با تشخیص و احساس وظیفه، پیش از ورود شما به ایران و پس از تشریف فرمائیتان، خطرترین مسئولیت‌ها را

پذیرفتیم و با اتکا به اعتماد عمیقی که از جانب شما احساس می‌کردیم تا امروز با پشتکار و تصمیم خلل ناپذیر ادامه دادیم و هنوز هم به همان امر و تکلیف و اعتماد تکیه داریم.

۳- پیش از پیروزی و بعد از آن و امروز معتقد بودیم و هستیم که نظام اسلامی در ایران بدون پشتوانه‌ای از تشکیلات مذهبی-سیاسی تضمین داوم ندارد و به همین جهت با مشورت با جنابعالی و جلب موافقت و گرفتن و عده حمایت غیر مستقیم از شما، با همه گرفتاری‌ها از همان روزهای اول پیروزی، مسئولیت تاسیس حزب جمهوری اسلامی را به عهده گرفتیم و در ماه‌های اول موفقیت‌های چشمگیری به دست آوردیم.

۴- دشمنان و مخالفان، به عمق و عظمت اقدام پی بردند و برای تضعیف حزب و رهبران حزب دست به کار شدند. غرب و شرق در خارج و راستی و چپی‌ها و بعضی از خودمانی‌ها در داخل، عملاً در این خصوص هماهنگ گردیدند؛ کار را با ترور اشخاص و شخصیت‌ها شروع کردند و هنوز هم کشتن‌ها و پخش شایعات و رواج دادند اتهامات ادامه دارد.

۵- تبلیغات گمراه‌کننده آنها موقعی کارگر شد که بعضی از نزدیکان و منتسبان به بیت جنابعالی با آنان همصدا شدند. گرچه تاییدات گاه بیگاه شما و روابط رسمی ما با حضرتعالی از اثر این اقدامات نمی‌کاست و در مقابل سکوت ما به خاطر مراعات مصلحت انقلاب و نداشتن فرصت بررسی و دفاع هم از عوامل جرات و پیشرفت آنان بوده و هست.

۶- موفقیت حزب جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی که امید غیرمذهبی‌ها را به کلی از بین برد، از عوامل تشدید مبارزات مخالفان ما است.

۷- حذف حزب جمهوری اسلامی از جریانات انتخابات ریاست جمهوری که با مقدمات حساب شده‌ای پیش آمد، مخالفان را جری و امیدوار کرد و تلاش‌ها را مضاعف کردند. خیلی بعید است که انتشار نامه آقای میرزاعلی آقا تهرانی که در آن ما را متهم می‌کرد و در ظرف یک هفته در سراسر کشور، حتی روستاها و خارج کشور پخش گردید، بی‌ارتباط با جریانات قبل و بعد و همراه حذف حزب از انتخابات باشد.

۸- چند روزی که کسالت جنابعالی اعلام نشده بود، نامه‌ها و تلگراف‌هایی از طرف افراد و گروه‌ها در جراید خطاب به شما منتشر شد که از شما تقاضا داشتند، نظرتان را نسبت به اظهارات آقای تهرانی بیان فرمایید و شما بی‌خبر از تقاضای مردم بودید و مردم بی‌اطلاع از بیماری شما و سکوت شما را دلیل بر رضایت می‌گرفتند و تبلیغ می‌کردند. و ما نه می‌توانستیم خبر بیماری جنابعالی را به مردم بدهیم و نه روا می‌دانستیم که به طرف مقابل مثل ایشان حمله کنیم و حتی همان مختصر جوابمان به اندازه انکار تهمت، بر روحمان سنگینی میکرد، زیرا دشمنان می‌خندیدند و تحریک می‌کردند و مردم خون دل می‌خوردند و مایوس می‌شدند.

۹- پخش شایعاتی حاکی از خشم امام نسبت به حزب جمهوری اسلامی و به ما و در چنین شرایطی اوج گرفت و هیچ چیز نبود

که بتواند کذب شایعات را ثابت کند و بلکه اظهارات برادر و نوه و داماد و افرادی دیگر از نزدیکان شما محیط را برای پذیرش شایعات آماده تر کرد.

۱۰- در تمام مدت غیبت صغرای شما، حتی یک خبر از رسانه های جمعی پخش نشد که نشان ارتباط و علاقه شما به ما باشد و حتی از ذکر نام ما پنج نفر در خبر آمدن شورای انقلاب به قم برای انتقال شما به تهران که مسئولیت آن را به عهده گرفته بودیم، جلوگیری شد. و در مقابل به کرات اخبار و صحنه هایی حاکی از ارتباط رقبای حزب (جمهوری اسلامی) با شما پخش گردید. حتی در چنین شرایطی که مردم به خاطر بیماری شما سخت تاثیرپذیر بودند، شایعه سازان ما را از عوامل کسالت شما معرفی می کردند و ما غیر از سکوت اقدامی نداشتیم.

۱۱- دستور جناب عالی در خصوص حمایت از رئیس جمهور منتخب که کاملاً بجا و لازم بود و ما خود بدان معتقد و پایبندیم، مورد سوء استفاده در جهت پیشبرد اهداف خاصی قرار گرفت و می گیرد و ما در شرایطی نبوده و نیستیم که بتوانیم جلو سوء استفاده را بگیریم، زیرا هر گونه اظهار و عمل مستقلی برای جلوگیری از انحراف به عنوان کارشکنی و تخلف از دستور امام و قدرت طلبی معرفی می شود و متأسفانه این خطر به طور جدی وجود دارد که انتخابات مجلس شورای ملی، تحت تاثیر همین جو ناسالم منجر به انتخاب شدن افرادی که تسلیم رئیس جمهورند بشود و از داشتن مجلسی مستقل و حافظ اسلام در مقابل انحراف احتمالی مجریان، محروم گردیم.

۱۲- طرح کنگره وحدت برای انتخابات که تبلیغات یک جانبه، آن را مصداقی برای اجرای دستور امام در مورد همکاری با رئیس جمهور، ادعا می کند و حمایت بی پرده و صریح برادر و بعضی از منسوبان بیت شما از آن، این ادعا را تقویت می نماید، وسیله ای برای به مجلس رفتن افرادی خواهد شد که به عاقبت آن خوشبین نمی توان بود و مخصوصاً با توجه به اینکه رئیس جمهور بارها گفته است که اگر مجلس با من هماهنگ نباشد، ایران منفجر خواهد شد و یا من کنار می روم که می خواهند مجلس تابع ایشان باشد و نه ایشان تابع مجلس.

۱۳- در شرایطی این چنین که هرگونه تلاش ما برای جلوگیری از انحراف در محتوای اسلامی انقلاب، اتهام قدرت طلبی به همراه دارد (چیزی که با همه وجود از آن تنفر داریم) چگونه می توان انتظار داشت که ما در جهت حفظ راه انقلاب نقش خودمان را ایفا نماییم.

۱۴- از اینکه تحت تاثیر عوامل خارج از اراده و خواست خود، مسئولیت کمتری به عهده داشته باشیم، ممکن است ناخرسند نباشیم، ولی از اینکه انقلاب اسلامی به این آسانی و سادگی برخی از وسایل (هرچند ناچیز) تضمین محتوای اسلامی خود را از دست بدهد، نمی توانیم نگران و ناراحت نشویم.

۱۵- ای کاش افرادی که اثر قابل توجه در برانگیختن این جریانات داشته و دارند، بتوانند مسئولیت عظیمی را که تا به امروز بر

دوش ما بوده، به عهده بگیرند و یا لااقل ما مطمئن شویم که خود جنابعالی به صلاحیت آنان ایمان دارید و به عواقب آن خوشبین هستید که تشخیص و درک شما که صحت آن را آزموده‌ایم، می‌تواند برای ما، مایه آرامش باشد.

۱۶- خلاصه: علائم تکرار تاریخ مشروطه، به چشم می‌خورد. متجددهای شرق‌زده و غرب‌زده علی‌رغم تضادهای خودشان با هم در بیرون راندن اسلام از انقلاب همدست شده‌اند (نمونه جلسه‌ای که از مذهبی‌های چپ‌گرا و محافظه‌کاران غرب‌گرا یا ملی‌گرا برای همکاری در مقابله با حزب جمهوری اسلامی در انتخابات اخیر تشکیل شده بود).

احتمال اینکه روال موجود مانع تشکیل مجلس شورای اسلامی احتمال گردد که جنابعالی بدان دل بسته‌اید و امیدوارید بتواند نارسایی‌ها و کمبودهای رئیس‌جمهور را جبران کند، قابل توجه و تکلیف‌آور است. ما به امید اینکه رهبری‌های پیامبر گونه آن امام عزیز وعظیم، بتواند نگرانی‌های ما را از آینده مرتفع کند، در این موقع، که اگر خیلی سرنوشت‌ساز نبود، مزاحمتان نمی‌شدیم بخشی از گفتنی‌ها را به عرضتان رساندیم و بقیه را به زمانی موکول می‌کنیم که جنابعالی آماده شنیدن باشید.

۲۸/۱۱/۸۵- والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

محمد حسینی بهشتی - عبدالکریم موسوی اردبیلی - سید علی خامنه‌ای - محمدجواد باهنر - اکبر هاشمی

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۵۱۱/نرسید-رهبر-ای-نامه-متذ>